A critique of the Guardian Council's view on the development of the authorities mentioned in Article 142 of the Constitution

Fardin Moradkhani[1], Ebrahim sabagh vakashani[2]

1. Associate Professor of Public Law, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran. f.moradkhani@basu.ac.ir

2. Master of Public Law, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran, Corresponding Author, ebs45436@gmail.com

Date Received 2020/12/01
Date of correction 201/04/25
Date of acceptance2 021/06/16
Date of Release 2022/06/19

Abstract

Combating financial corruption of officials is one of the important legal issues, parts of which are discussed in administrative law. According to Article 142 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the head of the judiciary oversees the property of some officials. As experience has shown that corruption is more prevalent among lower-ranking officials, members of the Islamic Consultative Assembly have struggled four times to extend the oversight referred to in Article 142 of the Constitution to other state and military officials and managers, but they were confronted with the objection of the Guardian Council that the mentioned authorities are in principle 142 restricted. Finally, the Islamic Consultative Assembly sent this law to the Expediency Discernment Council, and that Council, with general amendments, approved the Assembly's opinion. This descriptive-analytical study seeks to examine the possibility or impossibility of regulating the Islamic Consultative Assembly regarding the development of the authorities mentioned in Article 142 of the Constitution. In this study, the reasons for the opposition to the development of the above-mentioned authorities are answered in Article 142 of the Constitution We conclude that for legal and religious reasons and the use of the Purposive interpretation method of the Islamic Consultative Assembly has the authority to pass a law to increase the number of officials mentioned in Article 142 of the Constitution.

Keywords: Article 142 of the Constitution, Islamic Consultative Assembly, Guardian Council, Development

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

فصلنامه حقوق اداری
سال نهم، بهار ۱۴۰۱، شماره ۳۰
مقاله علمی پژوهشی

نقدی بر نظر شورای نگهبان در مورد توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی

فردین مرادخانی [۱]؛ ابراهیم صباغی ولاشانی [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

چکیده: مقابله با فساد مالی مسئولان از موضوعات مهم حقوقی است که بخش‌هایی از آن در حقوق اداری بحث می‌شود. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۴۲ رسیدگی به دارایی برخی از مقامات عالی‌رتبه کشوری را بر عهده رئیس قوه قضاییه قرار داده است. از آنجایی‌که تجربه نشان داده است فساد مالی در مقامات مادون بیشتر رخ می‌دهد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در چهار مورد کوشیدند تا نظارت موردنظر در اصل ۱۴۲ قانون اساسی را به سایر مقامات و مدیران کشوری و لشکری تسری دهند، ولی با ایراد شورای نگهبان مبنی بر حصری بودن مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی مواجه شدند. در نهایت مجلس شورای اسلامی این مصوبه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع کرد و این مرجع نیز با اصلاحات کلی مصوبه مجلس را تأیید نمود. این پژوهش با روش توصیفی – تحلیلی به دنبال بررسی امکان یا عدم امکان مقررات‌گذاری مجلس شورای اسلامی در خصوص توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی است. در این راستا در این پژوهش دلایل مخالفان توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی پاسخ داده شده و به این نتیجه می‌رسیم که بنا بر دلایل قانونی و شرعی و استفاده از شیوه تفسیری غایی مجلس شورای اسلامی صلاحیت تصویب قانون برای افزایش مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی را دارد.

کلیدواژه‌ها: اصل ۱۴۲ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، توسعه

۱. دانشیار حقوق عمومی دانشگاه بوعلی سینا؛ همدان، ایران؛ f.moradkhani@basu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه بوعلی سینا؛ همدان، ایران. (نویسنده مسئول)ebs45436_gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

مقدمه

نظارت بر اموال و دارایی مسئولان یکی از مواردی است که امروزه در اکثر کشورهای دنیا به عنوان راهکار مبارزه با فساد مالی و سلامت مسئولان پذیرفته شده است که منجر به افزایش اعتماد مردم به سیستم اداری کشور می‌شود. بررسی پیامدهای فساد مالی نشان دهنده این است که این پدیده سبب کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی، پایین آوردن امنیت اقتصادی، تخریب اقتصاد کشور از نظر افزایش هزینه‌های عمومی، تبعیض در تخصیص منابع و در مجموع، بالارفتن رانت و ثروت بادآورده از یک سو و فقر از سوی دیگر می‌شود. معضلی که امروزه اقتصاد ایران با آن مواجه است (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷: ۱۱). منظور از نظارت بر اموال و دارایی‌های مسئولین، نظارت بر مشروعیت اسباب مالکیت آن‌هاست. یعنی موجبات مالک شدن اموال بایستی مبتنی بر ضوابط و معیارهای قانونی و شرعی باشد و افراد با توجه به موقعیت‌ها و فرصت‌های شغلی که برایشان فراهم شده است، به صورت غیرقانونی و یا غیرشرعی اموال تحصیل نکرده باشند. یکی از شیوه‌های جلوگیری از فساد مالی، نظارت بر اموال و دارایی مقامات و مسئولین دولتی است. در این شیوه مدیران و مسئولان دولتی باید بر اساس قانون موظف شوند که در دوره‌های زمانی تعیین شده، فهرست اموال و دارایی‌های خود را به مرجعی که قانون مشخص می‌کند، ارائه کنند (باقری، ۱۳۹۱: ۸۵). این مسئله به عنوان یک معضل جهانی است و در همه کشورهای جهان مطرح است. ازاین‌رو در کنوانسیون «مبارزه با فساد سازمان ملل متحد» معروف به مریدا در اکتبر ۲۰۰۳ یکی از راه‌های پیشگیری از فساد مالی، جلوگیری از حیف‌ومیل اموال توسط مقامات اعلام شد. در ماده ۲۰ کنوانسیون آمده است هر کشور عضو باید در قوانین و اصول اساسی نظام حقوقی خود از دارا شدن من غیر حق و افزایش چشمگیر دارایی‌های مقامات دولتی جلوگیری کند و آن را جرم کیفری تلقی کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳:۱۳۹۶).

مطابق تحقیقات انجام شده هدف از نظارت بر دارایی و اموال مسئولین شامل موارد زیر است: افزایش شفافیت و اعتماد عمومی در میان مردم از طریق افشای اطلاعات مالی سیاستمداران و کارمندان دولت به صورتی که مؤید این مطلب باشد که چیزی برای پنهان کردن ندارند. جلوگیری از مسئله تعارض منافع میان نهادها و سازمان‌های بخش عمومی و نظارت بر تغییرات ثروت مقامات و مسئولین دولتی به منظور جلوگیری آن‌ها از سوءاستفاده.

در موضوع مرتبط به این پژوهش تاکنون چند تحقیق انجام شده است:

۱. مقاله «رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولان و کارگزاران در نظام حقوقی ایران» نوشته دکتر جواد تقی‌زاده و خانم شیرین بهروزی‌نژاد که در این پژوهش به صورت کلی به رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان در ایران پرداخته شده و آسیب شناسی گردیده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

۲. گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «اقدامات تقنینی در مبارزه با فساد اقتصادی (مطالعه موردی رسیدگی به دارایی‌های مقامات عالی حکومتی)» که توسط آقایان حمید بهره‌مند بگ نظر، احمد مرکز مالمیری و سید محمد هادی راجی تهیه شده است که همان طور که از عنوان آن پیداست به صورت کلی قوانینی که در حوزه رسیدگی به اموال مسئولان وجود دارد را فهرست و بیان کرده و توضیح مختصری نیز در مورد آن ارائه داده است.

۳. مقاله دیگری با عنوان «بررسی کارایی قوانین افشای اموال در کاهش فساد اداری با رویکرد تطبیقی» توسط دکتر حسن وکیلیان و آقای داور درخشان نگاهی تطبیقی به موضوع افشای اموال مسئولان داشته و پیشنهادهایی در مورد اصلاح قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان در ایران ارائه داده است.

۴. مقاله پیشگیری از جرائم مالی و جلوگیری از دارا شدن بلاجهت مقامات دولتی نوشته راضیه سبزه علی، سمیه صرامی و محمود اشرافی تحقیق دیگری است که تحلیلی از منظر حقوق کیفری و جرم شناسی به رسیدگی به دارایی مسئولان داشته است.

مقاله با تحقیقات فوق‌الذکر کاملاً متفاوت است و به‌طور اخص به مسئله حصری بودن یا نبودن مقامات موضوع اصل ۱۴۲ قانون اساسی[۱] پرداخته و با روش توصیفی – تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا مقامات موضوع اصل ۱۴۲ قانون اساسی حصری هستند یا تمثیلی؟ و اینکه مجلس شورای اسلامی اختیار وضع قانون برای افزایش این مقامات را دارد یا خیر؟ اگرچه شورای نگهبان در برابر توسعه این اصل مقاومت کرده اما به‌نظر می‌رسد که با توجه به اینکه بر اساس اصل ۷۱ قانون اساسی ایران[۲] مجلس شورای اسلامی نهاد عام قانون‌گذاری در کشور ما محسوب می‌گردد، و در اصل ۱۴۲ قانون اساسی نیز هیچ‌گونه منعی برای توسعه این مقامات به چشم نمی‌خورد بنابراین مجلس شورای اسلامی اختیار وضع قانون برای افزایش مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی را داشته باشد.

با بررسی نظرات استدلالی شورای نگهبان در مورد اصل ۱۴۲ قانون اساسی متوجه می‌شویم که برای توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی سه نظریه مخالف وجود دارد، که عبارت‌اند از: ۱. رویکرد متن گرایانه شورای نگهبان نسبت به اصل ۱۴۲ قانون اساسی ۲. مغایرت با موازین شرعی ۳. مخالفت با اصول ۳۷ و ۴۷ قانون اساسی. هدف از نگارش این پژوهش پاسخ به دیدگاه‌های

---

۱. اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد».

۲. اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

مخالفان توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی و اثبات صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی درباره وضع قانون در مورد توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی است. در این پژوهش ابتدا به تاریخچه تصویب قانون عادی برای افزایش مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی پرداخته و سپس نظرات مخالفین دیدگاه‌های توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی پاسخ داده می‌شود.

۱. تاریخچه تصویب قانون عادی برای افزایش مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی

در ایران برای اولین بار مجلس شورای ملی «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها» مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ را وضع کرد که به قانون «از کجا آورده‌اید؟» مشهور شد. اینکه انگیزه تصویب این قانون در دوره پهلوی چه بوده است، موضوع بحث مستقلی است. البته اجرای صحیح این قانون نیز در آن دوران با توجه به ماهیت حکومت پهلوی امکان‌پذیر نشد. (باقری،۱۳۹۱: ۹۰) این قانون به عنوان ام‌القوانین مبارزه با فساد مالی شناخته می‌شود که عملاً در دهه‌های بعد از انقلاب هم اجرا نشده و در واقع باید آن را یک قانون متروک دانست. (مهدوی‌پور،۸۸:۱۳۹۰). در خصوص عدم قابلیت اجرای این قانون می‌توان به مصوبه کمسیون حقوقی سازمان بازرسی کل کشور اشاره کرد که مطابق آن «به استناد اصل یک‌صد و چهل و دوم قانون اساسی، صرفاً رسیدگی به دارایی افراد مشمول اصل مذکور و فقط توسط رئیس قوه قضاییه ممکن است و از این جهت، موضوع رسیدگی به قوانین و مقررات دیگری موکول نگردیده است؛ همچنین بنا بر اصول یک‌صد و هفتاد و چهارم قانون اساسی در مقام تأسیس سازمان بازرسی کل کشور و با عنایت به حدود وظایف و اختیارات سازمان و بازرسان آن که نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است و نحوه آن را قانون تعیین و مشخص کرده است؛ حق رسیدگی به دارایی مسئولین مملکتی اعم از مقامات مذکور یا غیر آن برای سازمان تشریح نشده است؛ ازاین‌رو، هیچ تکلیفی نیز از این جهت متوجه سازمان بازرسی و بازرسان آن در حین انجام بازرسی نیست».[۱] (مزروعی،۶:۱۳۸۶ -۴).

در پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلی برای رسیدگی به اموال و دارایی مقامات و مسئولان وجود نداشت و اصل ۱۴۲ قانون اساسی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی افزوده شد که به اصل کنترل دارایی مسئولان نظام مشهور است. (ذاکرصالحی، ۱۵۷:۱۳۸۸) با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی این‌گونه فهمیده می‌شود که هدف از تصویب این اصل جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و طمع‌ورزی و مال‌اندوزی مسئولان و پرهیز از اسراف و دست‌اندازی به بیت‌المال و امکانات دولتی بوده و در راستای عمل کردن به احکام و دستورات الهی و

---

۱. مصوبه شماره ۷۷/۲۷۹/ق مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۴ کمسیون حقوقی سازمان بازرسی کل کشور.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

فرامین امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه) به تصویب رسید. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی،۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۹۰-۱۲۸۹)

در قانون اساسی ۵۸ رسیدگی به اموال و دارایی مقامات و مسئولان بر عهده دیوان عالی کشور بود که این مقام تا سال ۶۸ بدون هیچ‌گونه قانون عادی به این امر رسیدگی می‌نمود. در سال ۱۳۶۸ با بازنگری در قانون اساسی و حذف پست‌های نخست‌وزیری و شورای رهبری، این مقامات از این اصل حذف و معاونان رئیس‌جمهور اضافه شدند و با حذف شورای عالی قضایی، رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان بر عهده رئیس قوه قضاییه قرار گرفت و اصل ۱۴۲ قانون اساسی بدین‌صورت تغییر یافت: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد».

گذشته از مشکلات عملی در چگونگی اجرای این اصل، محدود بودن رسیدگی به اموال و دارایی‌های مقامات عالی‌رتبه قوه مجریه در این اصل باعث شد که در سال‌های بعد کوشش‌هایی در جهت افزایش مشمولان این اصل و تدوینِ سازوکارهای اجرایی شدن آن به وجود آید (تقی زاده و بهروزی نژاد، ۱۰۷:۱۳۹۸). مجلس شورای اسلامی برای اولین بار در سال ۱۳۷۰ در طرحی با عنوان «نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی» درصدد برآمد تا نظارت مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی را به سایر مقامات مذکور در ماده ۵ این طرح گسترش دهد.[۱] شورای نگهبان طی نامه شماره ۲۰۹۳ مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۵ در خصوص طرح مذکور چنین اظهارنظر کرد: «ماده ۵ و تبصره‌های آن از لحاظ تسری دادن رسیدگی به دارایی از مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ به مقامات مذکور در ماده خلاف حصر مستفاد از اصل ۱۴۲ قانون اساسی است». در واقع شورای نگهبان از همان ابتدا با توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی مخالفت کرد و دلیل آن را نیز برداشت حصر از این اصل دانست. مجلس نیز با توجه به این ایرادِ شورای نگهبان آن ماده را حذف نمود. در نتیجه تلاش مجلس برای بار اول ناکام ماند. در تاریخ ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰ مقام معظم رهبری فرمان هشت ماده‌ای را به منظور مبارزه با مفاسد

---

۱. «...مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس دیوان محاسبات، روسای سازمان‌های بزرگ وابسته به قوه مجریه و قضاییه، مسئولین نهادهای انقلابی، فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش و سپاه، فرمانده نیروی انتظامی، مدیران عامل شرکتهای بزرگ دولتی یا وابسته به نهادهای انقلابی، استانداران، روسای دادگستری، قضات دیوان عالی کشور، معاونین وزرا، شهرداران مراکز استانها و شهرهای بزرگ و آن دسته از کارکنانی که دارای مشاغل حساس مالی و اداری هستند (طبق آیین نامه اجرایی) موظفند لیست دارایی خود قبل از پذیرش مسئولیت و بعد از آن را تهیه و به رئیس قوه قضاییه ارائه کنند. تا از طریق دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گیرد تا چناچه برخلاف حق و به طور غیر معمول افزایش یافته باشد، علاوه بر استرداد آن به صاحبان حق یا بیت‌المال مطابق قوانین جاری کشور نسبت به موارد تخلف رسیدگی کرده و نتیجه را جهت آگاهی عموم مردم به طریق مقتضی اعلام کنند».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

اقتصادی خطاب به سران سه قوه ابلاغ فرمودند و در مقدمه آن دلایل مبارزه با مفاسد اقتصادی را تشریح کردند، که در قسمتی از آن آمده است:

«امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصار جو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (https://farsi.khamenei.ir).

در این راستا نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به طور جدی‌تری کوشیدند تا در قالب طرحی به توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی برای مبارزه با فساد مالی بپردازند، که این طرح با نام «طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» که با فراز و نشیب‌های بسیار در تیرماه ۱۳۸۶ به تصویب نمایندگان ملت در مجلس هفتم رسید. شورای نگهبان در مورد این طرح نیز طی نامه شماره ۲۱۹۱۶ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۸ اعلام نمود: «اصل طرح مبنی بر تسرّی شمول آن به مقاماتی که در اصل ۱۴۲ قانون اساسی ذکر نشده خلاف حصر مستفاد از اصل مذکور تلقی و مخالف آن شناخته شد».

مجلس این بار با اصرار بر مصوبه خود در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۷ آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داد. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز این قانون را در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۹ با اصلاحات کلی در شش ماده به تصویب رساند و در ماده سوم آن به توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی پرداخت. به‌این‌ترتیب با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، شمولِ مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی افزایش یافت و شامل شخص رئیس قوه‌قضاییه نیز گردید که مطابق با تبصره یک این ماده می‌بایست صورت دارایی خود و همسر و فرزندان تحت تکفل خود را به مرجعی که مقام رهبری تعیین می‌کند اعلام نماید.

البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اجرای این قانون تا سال ۱۳۹۸ به تعویق افتاد، زیرا آیین‌نامه اجرایی آن توسط رئیس وقت قوه قضاییه تصویب نشد و با تغییر ریاست قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱۹ آیین‌نامه اجرایی آن به تصویب رسید و عملاً اجرای آن در بین مشمولین این قانون آغاز گردید.

در ادامه به بررسی سه ادله اصلی مخالفان توسعه اصل ۱۴۲ به سایر مقامات خواهیم پرداخت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

۲. دیدگاه متن‌گرایانه شورای نگهبان

شورای نگهبان تاکنون در رابطه با اصل ۱۴۲ قانون اساسی نظریه تفسیری رسمی ارائه نداده است، ولی در نظریات خود در رابطه با بررسی مصوبات مجلس به نوعی تفسیری ضمنی از این اصل ارائه کرده است. شورا تاکنون در مورد چهار مصوبه مجلس، گسترش شمول مقامات موضوع اصل ۱۴۲ قانون اساسی را خلاف این اصل تشخیص داده است. نظریه اول در مورد طرح «نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی» بود. دومین‌بار در مورد طرح «رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» است. در دو مورد دیگر نیز این ایراد تکرار شده است: یکی در مورد لایحه «ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی که شورای نگهبان در نامه شماره ۲۷۲۰۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۱ اعلام نمود که «ماده (۳۲)، به دلیل توسعه دامنه شمول اصل ۱۴۲ قانون اساسی، مغایر این اصل شناخته شد» و مجلس شورای اسلامی نیز آن ماده را حذف نمود. مورد آخر در لایحه «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» مصوب ۱۳۹۵/۴/۳۰ مجلس شورای اسلامی بود که شورای نگهبان در بررسی این لایحه چنین نظر داد که «در تبصره یک بند (ت)[ماده ۱۷]، تسرّی شمول مقامات اصل ۱۴۲ قانون اساسی به هیأت عامل صندوق [توسعه ملی]، مغایر اصل ۱۴۲ قانون اساسی شناخته شد»(نظریه شماره ۲۲۰۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۳). در این مورد نیز مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد اقدام به حذف آن قسمت نمود. با توجه به این چهار نظریه شورای نگهبان که در دوره‌های مختلف آن در رابطه با اصل ۱۴۲ قانون اساسی صادر شده است درمی‌یابیم که شورای نگهبان نسبت به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رویکردی «متن گرایانه» دارد.

در پاسخ به این رویکرد شورای نگهبان باید چند نکته را خاطرنشان کرد: ۱. رویکردهای تفسیری قانون اساسی را در قالب‌های متعددی تقسیم‌بندی کرده‌اند. (see for instance : Bloom.2009) برخی از شیوه‌هایی مانند متن گرایی، پراگماتیسم، رویکرد فلسفی و ساختارگرایی یاد کرده‌اند (barber and fleming.2007) برخی دیگر از شیوه‌های متن‌گرایی، منشأگرایی، قضایی، پراگماتیستی، اخلاقی، هویت ملی، ساختارگرایی و پراکتیس تاریخی سخن گفته‌اند (redacted.2018) البته بسیاری از این رویکردها با همدیگر هم پوشانی دارند. از این رو برخی سعی کرده‌اند آنها را در قالب تقسیم‌بندی‌های کلان مطرح کنند. یکی از تقسیم‌بندی‌های معروف در مورد شیوه‌ای تفسیر قانون اساسی دو شیوه کلی منشأگرا و غیرمنشأگرا است. (رک جعفری،۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۳۹) شیوه نخست اصولاً قانون محور است و در پی کشف معنای قانون یا قصد قانون‌گذار در زمان وضع قانون است و قانون موضوعی ایستا در گذشته است که برای تفسیر آن باید به همان دوره بازگشت. (برای دیدن رویکرد منشأ گرایی رک: (Graham.2002. Greene.2009) رویکرد منشاگرایی با نقدهای بسیاری مواجه شده است (huscroft and miller.2011) همین مسئله باعث رشد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

شیوه‌های غیر منشأگرا شد که فرا متنی هستند. در این شیوه به مخاطب و غایت قوانین توجه دارند و در نتیجه، دلیلی برای محصور کردن قانون در گذشته نمی‌بیند و به جای برتری دادن به متن مکتوب قانون، قانون را وسیله‌ای برای سامان دادن به روابط متحول اجتماعی می‌انگارد. شیوه‌های منشاگرا ضمن اقرار به این رسالت حقوق، پاسخ دادن به موضوعات روز را کار ویژه‌ای تقنینی می‌داند و برای مفسر قانون این جایگاه را قائل نیست که بتواند خود را به جای قانون‌گذار بنشاند (خلف‌رضایی، ۸۶:۱۳۹۳). غیرمنشأگرایی بیشتر به ثمرات و نتایج اجرای قانون می‌پردازد تا کیفیت آن و قانون را محدود به اراده قانون‌گذار نمی‌داند، بلکه آن‌ها را از طریق تفسیر پویا با شرایط زمانی همگام می‌کند. غیر منشاگرایی خود به انواع مختلفی تقسیم می‌گردد. از جمله «غیرمنشاگرایی تفسیری» که بر اساس آن قانون اساسی در پرتو معنای آشکار فعلی آن تفسیر می‌شود و «غیرمنشاگرایی تأویلی» که بر اساس آن محتوای قانونی دکترین قانون اساسی با توجه به نیازها و برداشت‌های جدید تأویل می‌گردد تقسیم کرده‌اند (مزارعی،۱۵۴:۱۳۹۰). یکی دیگر از انواع آن شیوه غایت‌گرایی یا غایی است. در این شیوه بر این باورند که محتوای قانونی آموزه‌های حقوق اساسی و دکترین حقوق اساسی در طول زمان تغییر می‌کنند و هر دو ایده اصلی منشاگراها یعنی اصل «تثبیت و محدودیت» را رد می‌کند. در شیوه تفسیری غایی، تفسیر با استناد به هدف عینی از وضع قانون صورت می‌گیرد. این قصد می‌تواند از خود متن مثلاً از عنوان یا مقدمه آن قانون یا فصل مربوطه به آن برداشت شود. همچنین ممکن است که این قصد به صورت مقدر یا فرضی برداشت شود. این شیوه در سنت نظام حقوقی رومی نیز سابقه دارد، چنانکه در این نظام گفته می‌شد فهم قانون به معنای فهمیدن واژه‌ها و عبارات آن نیست، بلکه در یافتن هدف وضع و قصد آن است. البته بایستی توجه داشت که در این شیوه منظور پی بردن به هدف یک موضوع یا قاعده است و نه قصد واضع یا قانون‌گذار. به‌بیان‌دیگر در اینجا هدف یک قاعده کشف یا فرض می‌شود و توجه مفسر به خود قاعده یا خود موضوع عینی است و نه خواندن ذهن واضع یا قانون‌گذار. به‌همین دلیل وسایل کشف این هدف نیز عنوان یا فصل مربوطه قانون موردنظر و یا دلالت‌هایی است که منطقاً و به‌بیان‌دیگر، از حکیمانه خواندن متن قانون فهمیده می‌شود. همچنین فرض می‌شود قانون‌گذار خواسته است که یک حکم قانونی اثری معنادار و نه معنایی لغو و بیهوده داشته باشد؛ یعنی، همان چیزی که تفسیر مفید عنوان می‌شود. این هدف می‌تواند گاهی باعث تفسیر موسع یا مضیق از یک قانون شود (خلف‌رضایی و منصوریان،۲۵:۱۳۹۳). البته لازم به ذکر است که غایت‌گرایان به‌طورکلی منکر حجیت معنای متنی یا درک اولیه و قصد قانون‌گذار از اصول قانون اساسی نیستند، بلکه علاوه بر این منابع موارد دیگری را برای تفسیر قانون اساسی واجب می‌دانند، از جمله توافقات فرهنگی و عرف‌های اجتماعی قدمت‌دار، ارزش‌های کنونی جامعه و درک قاضی از عدالت یا کارایی و غیره (مزارعی، ۱۵۴:۱۳۹۰).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

از آنجایی‌که بیش از چهل سال از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و این قانون تاکنون یک‌بار صرفاً در سال ۱۳۶۸ موردبازنگری قرار گرفته است، با تحول جامعه ایرانی و پیش آمدن مسائل مستحدثه و معضلات جدید در کشور، دیگر رویکرد منشاگرایانه شورای نگهبان اعم از «متن گرایی» و «قصدگرایی» پاسخ‌گوی نیازهای جامعه ما نیست. در چنین شرایطی دو راه پیش رو است: ۱. اصلاح و بازنگری قانون اساسی و ۲. استفاده از شیوه‌های تفسیری غیرمنشاگرایی. دشوار بودن بازنگری در قانون اساسی در نظام حقوقی ایران، راهکار دومی را تقویت می‌کند. در واقع، کلیت قانون اساسی و این ذهنیت قانون‌گذار اساسی که بناست این قانون در مدت زمان نسبتاً طولانی، نظام کلان سیاسی را سامان ببخشد، می‌تواند انعطافی برای تفسیر در اختیار مفسر قرار دهد تا بتواند با توجه به قصد عینی از وضع قاعده، تفسیری پویا و کارآمد ارائه کند. این شیوه به تنظیم روابط قوا و جلوگیری از بروز معضلات نظام و پیش آمدن اختلافات در میان قوا نیز کمک شایانی می‌کند (خلف‌رضایی، ۸۷:۱۳۹۳).

۲. استدلال شورای نگهبان این است که استثنا را نباید افزایش داد. استثناء دو نوع است؛ یا استثنای از منع است یا استثنای از الزام. استثنای از منع به معنای منع تمام موارد است، جز مواردی که استثناء شده است و استثناء از الزام به معنای عدم الزام تمامی موارد است، جز مواردی که به آن‌ها الزام شده است؛ بدین معنا که در سایر موارد به‌جز موارد استثناء شده، الزامی وجود ندارد و البته منعی هم وجود ندارد و می‌توان آن‌ها را نیز الزام نمود. اصل ۱۴۲ قانون اساسی درباره اعلام دارایی مقامات مذکور در آن اصل، الزام دارد و اگرچه در مورد سایر مقامات الزامی نکرده است ولی الزام آن‌ها را ممنوع نیز نکرده است. بر این مبنا نمایندگان مجلس می‌توانند مقامات و مسئولین دیگری را به‌موجب قانون عادی الزام به اعلام صورت دارایی و اموال خود کنند. بنابراین الزام اعلام دارایی توسط برخی مقامات غیر مذکور در اصل ۱۴۲، مغایرتی با این اصل ندارد.

۳. یکی از عباراتی که شورای نگهبان همواره برای جلوگیری از توسعه این اصل به کار برده است حصری بودن مقامات ذکر شده در اصل ۱۴۲ است. حصر، مفهومی زاید بر مدلول مطابق کلام است. در حصر احتیاج به دلیل است و اگر قانون‌گذار قصد حصر داشت باید از ادات حصر استفاده می‌نمود و از آنجایی‌که در اصل ۱۴۲ قانون اساسی هیچ‌گونه ادات حصری ذکر نشده است و قرینه‌ای نیز وجود ندارد، از اصل ۱۴۲ قانون اساسی افاده حصر نمی‌توان کرد. آنچه می‌تواند منافی حصر باشد، تضییق و تقیید است. بنابراین اگر در قانون، موارد حصر شده را محدود کنیم این امر با اصل ۱۴۲ قانون اساسی مخالفت دارد؛ اما اگر موارد و مصادیق را توسعه دهیم، با اصل ۱۴۲ مخالفتی نداشته و این توسیع نیز اشد به اخف است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

۴. موضوع اصل ۱۴۲ قانون اساسی تاکید بر اولویت است نه انحصار؛ زیرا وقتی به موجب این اصل می‌توان اموال و دارایی‌های مقام اول و دوم کشور [۱] را مورد رسیدگی قرار داد، به طریق اولی می‌توان به دارایی سایر اشخاصی که در رده‌های پایین‌تر قرار دارند نیز رسیدگی کرد و مصلحت‌سنجی که در انجام این کار وجود دارد را به سایر افراد نیز نسبت داد. مطابق این امر نمی‌توان ذکر مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی را مفید حصر حکم این اصل به این افراد دانست و الزام اعلام صورت دارایی را صرفاً به همین افراد محدود کرد و تصویب قانون در مجلس برای تسری این حکم به سایر مسئولان را غیرممکن تلقی کرد. بر این اساس، نمی‌توان این مصوبه که مقامات مسئول دیگری را افزون بر مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ مکلف به اعلام دارایی خود کرده است، مخالف با اصل ۱۴۲ بدانیم. قانون‌گذار اساسی با توجه به اهمیت و جایگاه شغلی مقامات عالی‌رتبه قوه مجریه و ارتباط نزدیک آنان با مسائل مالی مقرراتی درباره رسیدگی به دارایی و اموال این مقامات وضع نموده است و در خصوص بقیه اشخاص نیازی به ذکر آن نمی‌دیده است و ازآنجایی‌که دارایی رهبر، رئیس‌جمهور و معاونانش و وزرا قابل‌رسیدگی هستند، به طریق اولی، دارایی سایر مسئولین که از لحاظ شأن و مقام پایین‌تر از اینان قرار دارند، نیز قابلیت رسیدگی دارد. در نتیجه از طریق قیاس اولویت، توسعه مصادیق اصل ۱۴۲ قانون اساسی در جهت اشد به اخف معنی پیدا می‌کند.

۵. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ نشان دهنده اراده قانون‌گذار اساسی بر حصر مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی نبوده است.[۲] آنچه وجود داشته این است که مسئولان نظام به دلیل داشتن قدرت در معرض لغزش و خطر و سوءاستفاده از قدرت قرار دارند، لذا باید بر آنان نظارت کرد و این نظارت محدود به موارد مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی نیست و هر مسئولی که در ارتباط با قدرت است مشمول این رسیدگی قرار دارد. بنابراین قانون‌گذار اساسی اضافه بر سازوکارهایی که در قوانین عادی برای برخورد با مدیران متخلف پیش‌بینی نموده است، در اصل ۱۴۲ راهکار دیگری پیش‌بینی کرده است. نکته‌ای که در صحبت‌های

---

۱. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد».

۲. با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی این‌گونه فهمیده می‌شود که هدف از تصویب این اصل جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و طمع‌ورزی و مال‌اندوزی مسئولان و پرهیز از اسراف و دست‌اندازی به بیت‌المال و امکانات دولتی بوده و در راستای عمل کردن به احکام و دستورات الهی و فرامین امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) به تصویب رسید (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی،۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۹۰-۱۲۸۹).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

یکی از موافقان تصویب این اصل در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به چشم می‌خورد استفاده از واژه «همانند» است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی،۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۹۰) که نشان دهنده این است که مقامات مذکور در این اصل به صورت تمثیلی است والا می‌توانست در خود متن اصل از ادات حصر مثل: فقط یا صرفاً استفاده شود و ازآنجایی‌که هیچ‌گونه ادات حصری در این اصل به کار نرفته است، در نتیجه نمی‌توان موضوع این اصل را محدود و منحصر به مقامات برشمرده شده دانست.

۶. حتی اگر دیدگاه اکثریت اعضای شورای نگهبان در مورد حصری بودن اصل ۱۴۲ قانون اساسی را بپذیریم، بازهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های دیگری برای مبارزه با فساد مالی دارد. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی...» در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز آمده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود». این اصول به همراه دیگر اصول قانون اساسی که به نحو ضمنی بر ضرورت مبارزه با فساد و ریشه‌کنی مصادیق و مظاهر آن تاکید می‌کنند، از جمله ابزارهای قانونی برای مقابله با فساد در کشور ما به حساب می‌آیند (وکیلیان و درخشان، ۱۳۹۶:۲۲۶). ازآنجایی‌که واژه «دولت» در این اصل صرفاً شامل قوه مجریه نیست، بلکه به معنای عام آن است و شامل تمامی نهادهای دارای قدرت عمومی مثل «مجلس شورای اسلامی» است، بنابراین مجلس در راستای عمل به این اصل که در زمره اصول کلی قانون اساسی آمده است. موظف است که برای مبارزه با فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال اقدام به قانون‌گذاری کند، که یکی از آنان توسعه مقامات موضوع اصل ۱۴۲ قانون اساسی و رسیدگی به اموال آنان توسط رئیس قوه قضاییه است.

۷. یکی از معضلات اصلی در کشور ما امروزه فساد اداری است؛ به همین دلیل یکی از موارد توجه قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران مقابله با این پدیده است (وکیلیان و درخشان، ۱۳۹۶:۲۲۶). به‌گونه‌ای که در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی‌ایران در افق ۱۴۰۴ به این امر توجه شده و بیان می‌کند که ایران باید در سال ۱۴۰۴ دارای چنین ویژگی‌هایی باشد «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب». علاوه بر این مبارزه با فساد همواره دغدغه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

مسئولان نظام علی‌الخصوص مقام رهبری بوده است که ایشان در بخشی از مقدمه فرمان هشت ماده‌ای خود به سران قوای سه‌گانه در تاریخ ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰ آورده‌اند: «خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا دراین‌باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به وسیله قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه مجریه و قضائیه است. قوه مجریه با نظارتی سازمان‌یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کند و قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاک‌دامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه نظارت، بسیار مهم و کارساز است» (https://farsi.khamenei.ir). علاوه بر این موارد، بندهای «۱۲»[۱] و «۱۷»[۲] سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه به تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و مقابله با فساد و اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت جلوگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز، اشاره داشته است که تصویب هرگونه طرح و لایحه‌ای برای رسیدگی به اموال و دارایی مسئولان و تعیین سازوکارهای قانونی آن از سوی مجلس شورای اسلامی نه تنها با شرع و قانون اساسی مخالفتی نداشته، بلکه از مهم‌ترین تکالیف قوه مقننه نیز به شمار می‌آید.

۸: طبق اصل ۷۱ قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند» و از آنجایی‌که در اصل ۱۴۲ قانون اساسی هیچ‌گونه ممنوعیتی برای توسعه این مقامات نیامده است، این خود قرینه‌ای است بر اینکه توسعه‌ای این مقامات خلاف منطوق اصل ۱۴۲ قانون اساسی نیست و شورای نگهبان در موارد متعددی قوانینی که مجلس در راستای اجرای اصول قانون اساسی تصویب شده را تأیید کرده است. به‌عبارت‌دیگر با اینکه در برخی از اصول قانون اساسی هیچ اشاره‌ای به تصویب قانون عادی برای اجرای آن نشده است، ولی مجلس در قوانین عادی مواردی را در آن خصوص تصویب کرده است و شورای نگهبان آن را مغایر با قانون اساسی ندانسته است. به عنوان مثال:

۱. قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی، (مصوب ۱۳۶۸)

۲. قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی‌ایران، (مصوب ۱۳۶۸)

۳. قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، (مصوب ۱۳۶۵)

---

۱. بند ۱۲ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه بیان می‌کند: «تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد».

۲. بند ۱۷ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه بیان می‌کند: «اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی، تأکید بر تمرکز زدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

۴. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، (مصوب ۱۳۶۳)

در اصل ۱۴۲ قانون اساسی الزام خاصی برای مسئولین معین وضع شده است که از آن مفهوم مخالفی مبنی بر آن که قانون‌گذار نمی‌تواند ترتیبات دیگری را برای رسیدگی به اموال و دارایی مسئولین و مقامات به شکل مقتضی در نظر بگیرد، مستفاد نمی‌شود. فلذا ازآنجایی‌که اصل پاسخگویی شامل همه مقامات و صاحب‌منصبان حکومتی است وضع قانون در این مورد با نظر و حکمت قانون‌گذار اساسی مخالفتی ندارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱:۱۳۸۶). بنابراین مجلس شورای اسلامی می‌تواند به منظور اجرایی کردن و تنظیم سازوکارهای قانونی اصل ۱۴۲ قانون اساسی اقدام به قانون‌گذاری کند، و ممکن است مواردی را در راستای تقویت این اصل و مبارزه با فساد به مقامات مذکور در این اصل اضافه کند.

۳. دیدگاه مغایرت با موازین شرعی

یکی از دیدگاه‌های مخالف با توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی مغایرت با موازین شرعی است و استدلال طرفداران این دیدگاه این است که در حکومت اسلامی فرض بر سلامت و تقوای مسئولین است؛ ازآنجایی‌که بر اساس این مصوبه بر تمامی اموال و دارایی‌های مسئولین و مقامات مملکتی مذکور در این مصوبه نظارتی کامل صورت می‌گیرد، این موضوع را القاء می‌کند که به مسئولین کشور بدبینی وجود داشته و همه آن‌ها به بیت‌المال دست‌اندازی می‌کنند؛ فلذا این مصوبه از این جهت که القای خلاف واقع می‌کند نیز دارای ایراد شرعی است.[1]

برخلاف این دیدگاه باید گفت که اعلام دارایی توسط مسئولان نه تنها باعث بدبینی به مسئولان کشور نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا مردم با آگاهی از سلامت مسئولان از ایراد اتهام به آن‌ها خودداری کنند و مسئولانِ خود را اشخاصی سالم بدانند. از جهت دیگر، برخی افراد ناشایستی که بر این مناصب تکیه می‌زنند نیز نخواهند توانست از موقعیتی که برایشان به وجود آمده است، سوءاستفاده کرده و به طور نامشروع اموال و دارایی‌های خود را افزایش دهند. اینکه گفته می‌شود در نظام اسلامی اصل بر تقوای مسئولین است و نیازی به رسیدگی به اموال آنان نیست، امری است که برخلاف آن در سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) وجود دارد و مواردی که ایشان به حساب زیردستان خود رسیدگی و حتی بعضی از آنان را عزل و مجازات می‌کنند در تاریخ اسلام به چشم می‌خورد. به موجب مبانی حکومت اسلامی و بر اساس سیره و سخنان پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) حاکمان باید مورد نظارت قرار گیرند و به‌هیچ‌عنوان مصون از نظارت

1. .http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=p+ZGpr0I/jA=&TN=l7tLyhyOobhXEiNsIbmkjlOk8YWV9+S/vM+MWZPvDew=&MN=csaqpt/F9Oo=&id=wiJkANwkgt0=&tablename02=l7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

نیستند؛ زیرا حاکمان غیر معصوم از خطا و لغزش در امان نیستند (راجی، بهره‌مند بگ‌نظر و مرکزمالمیری،۵:۱۳۹۰). مبارزه با فساد مالی حاکمان در سیره پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) که امکان تشکیل حکومت داشتند از موضوعات خیلی مهم در حوزه حکومت‌داری محسوب می‌شد همچنان که یکی از برنامه‌های اساسی امیرالمؤمنین (ع) بعد از پذیرش خلافت جامعه اسلامی برخورد با این عارضه پلید بوده است (همدمی خطبه سرا،۱۵:۱۳۸۷). آن حضرت همیشه بر اعمال و کردار منصوبین نظارت می‌کرد و در صورت مشاهده موارد تخلف به شدت با آن برخورد می‌کردند. همچنین در سیره آن حضرت مبارزه با فساد و رعایت شفافیت در حکمرانی از موضوعات اصلی حکومت‌داری محسوب می‌گشت که مصادیق مختلفی از آن را می‌توان مشاهده نمود (تقی‌زاده و بهروزی‌نژاد، ۸۶:۱۳۹۸). برای نمونه صبغ ابن نباته از حضرت علی (ع) نقل کرده است که حضرت زمانی که وارد شهر کوفه شدند با مردم آن دیار فرمودند: «وقتی [از مدینه] وارد شهر شما شدم با این شتر و اثاثیه و وسایل بودم که هنوز از آن استفاده می‌کنم و اگر هنگامی که از شهر و دیارتان رفتم، با چیزی غیر از این‌ها باشم؛ پس من جزء خائنین هستم» (ابن شهرآشوب،۹۸:۱۳۷۹). فساد در هر نقطه‌ای که پیش بیاید باعث اختلال در کارکردهای اصلی حکومت می‌گردد و سپس به سایر قسمت‌ها نیز سرایت می‌کند. زمانی که فساد به صورت فراگیر و سیستمی حاکم شد، اشخاص سالم را نیز از مسیر صحیح منحرف می‌نماید. متاسفانه زندگی در یک محیط فاسد برای انسان‌های سالم، اکثراً به دلیل ناهمگونی، طرد و تعرض از ناحیه افراد پیرامون را به دنبال داشته و با مشکلات بسیاری پیش رو است. در نتیجه، همرنگی فرد سالم با محیط پیرامونی خود- یا به دلخواه و یا از سر ناگزیری- خواهد بود (باقری،۹۶:۱۳۹۱). جالب آنجاست که نظر فقیهان برجسته شیعه و مراجع تقلید نیز همین دیدگاه را تقویت می‌کند. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در رابطه با شرعی بودن قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با حضرات آیات موسوی اردبیلی، نوری همدانی، سبحانی تبریزی، علوی گرگانی و امینی نجف آبادی مشورت شد که نه تنها هیچ‌یک از این بزرگان بر غیرشرعی بودن این قانون تاکید نکرده‌اند، بلکه برخی از این مراجع نظیر آیت‌الله نوری همدانی بر شرعی بودن این قانون نیز تاکید داشته‌اند و این شیوه را از «ارزش‌های اسلامی» برشمردند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰:۱۳۹۶).

٤. دیدگاه مغایرت با اصول ۳۷ و ٤۷ قانون اساسی

بر اساس این دیدگاه در مورد اموال و مالکیت افراد، اصل بر این است که این اموال از طریق مشروع به‌دست آمده‌اند و به ناحق افزایش پیدا نکرده‌اند. در نتیجه برای بازرسی و تجسس باید اتهامی وجود داشته باشد تا رسیدگی انجام شود؛ چون که مطابق موازین شرعی و همچنین طبق اصل ۳۷ قانون اساسی، اصل بر برائت افراد است. بر این اساس، در مورد اصل ۱۴۲ قانون اساسی که خلاف این اصل است و متعرض رسیدگی ابتدایی به دارایی برخی از مقامات و وابستگان آن‌ها بدون ایراد اتهام

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

شده است، باید به موارد مذکور در آن اکتفا شده و به‌غیراز آنها توسعه پیدا نکند. با این استدلال، موارد بیان شده در اصل ۱۴۲ قانون اساسی حصری بوده و در نتیجه توسعه دامنه شمول افراد مذکور در آن اصل به سایر افراد، برخلاف قانون اساسی خواهد بود. همچنین طبق اصل ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر صحت تصرفات مالکانه و محترم شمردن مالکیتی است که از راه مشروع تحصیل شده باشد. طبق این دیدگاه از جمله مصادیق احترام به مالکیت افراد، حق اعلام یا عدم اعلام دارایی توسط آنان است. اصل ۱۴۲ قانون اساسی که خلاف این موضوع را تصریح می‌کند، این حق (عدم اعلام دارایی) را تخصیص زده و موارد این تخصیص را نیز مشخص کرده است. فلذا هرگونه توسعه موضوع این اصل چه به عنوان ادامه این اصل و چه با عنوان یک قانون مستقل و عادی ازآنجایی‌که مورد نظر قانون‌گذار اساسی نیست، مغایر با قانون اساسی است.[1]

در پاسخ به این دیدگاه نیز باید به این نکات اشاره کرد:

۱. این نظارت تعارضی با اصل برائت ندارد؛ زیرا صرف رسیدگی به اموال و دارایی مسئولان مساوی با ایراد تهمت و اتهام فساد مالی به آنها نیست، بلکه از باب مصلحت عمومی و جلوگیری از لغزش آنها به دام فساد، کلیه اموال و دارایی خود و همسر و فرزندان آنان به دلیل اینکه امکان سوءاستفاده از موقعیت شغلی فرد مسئول را دارند رسیدگی می‌شود تا همان‌طور که خود اصل ۱۴۲ قانون اساسی بیان کرده است، برخلاف حق یا همان مشروعیت جهت افزایش نیافته باشد. ضمناً در پیش‌نویس خود اصل نیز عبارت «برخلاف مشروع» ذکر شده بود که در تصویب نهایی با همان مفهوم تغییر یافت.

۲. در اصل ۴۷ قانون اساسی ذکر شده است که: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند». هدف از رسیدگی به اموال و دارایی مسئولان همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، بررسی مشروعیت اموال و دارایی‌های مسئولان است آن‌هم برای پیشگیری از فساد؛ زیرا مسئولین اعم از مافوق و مادون بیشتر در معرض لغزش و خطا و ارتکاب فساد مالی هستند.

۳. در نظام حقوقی ایران میزان دارایی افراد جرم شناخته نمی‌شود، بلکه صرفاً به استناد صریح اصل ۴۷ قانون اساسی مشروعیت مالکیت مهم است و تنها درصورتی‌که خلاف این امر محرز شود طبق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف است که ثروت‌های ناشی از اعمال غیر مشروع را پس گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن صاحب حق آنها را به بیت‌المال بدهد. با توجه به این اصل درمی‌یابیم که مشروعیت اموال مردم اعم از مسئولین و غیره ملاک است و نمی‌توان اموال غیر مشروع را شامل این اصل دانست و جلوی نظارت بر آن را گرفت.

1.http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=p+ZGpr0I/jA=&TN=l7tLyhyOobhXEiNsIbmkjlOk8YWV9+S/vM+MWZPvDew=&MN=csaqpt/F9Oo=&id=wiJkANwkgt0=&tablename02=l7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

۴- با مراجعه به اسناد بین‌المللی ملاحظه می‌شود که یکی از مهم‌ترین اقدامات لازم برای پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی اعلام دارایی مسئولین شناخته‌شده است (راجی، بهره‌مند بگ نظر و مرکزمالمیری،۱۳۹۰:۱۳). اولین سند بین‌المللی که در واقع محصول اجماع جامعه بین‌المللی برای مبارزه با فساد محسوب می‌شود، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد است. این کنوانسیون که در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید از اعضای خود خواسته است تا مقرراتی در رابطه با اعلام دارایی مسئولان به تصویب برسانند. به موجب بند پنجم ماده ۸ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: «هر کشور عضو، در صورت اقتضاء و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود تلاش خواهد نمود تا اقدامات و نظام‌های مورد نیاز مقامات دولتی را ایجاد نماید تا در رابطه با فعالیت‌های بیرونی خود، استخدام، سرمایه‌گذاری، ذخایر مالی و هدایای کلان یا منافعی که ممکن است از آن، تضاد منافع در رابطه با وظایف آن‌ها به عنوان مقامات دولتی بروز کند، اظهاریه‌هایی را برای مراجع مربوط تهیه نماید.» همچنین طبق بند پنجم ماده ۵۲ این کنوانسیون با عنوان پیشگیری و کشف انتقال عواید ناشی از جرم: «هر کشور عضو طبق قانون داخلی خود، ایجاد نظام‌های مؤثر افشای مالی را در رابطه با مقامات دولتی خاص و مجازات‌های مناسب به خاطر عدم رعایت آن مدنظر قرار خواهد داد.» دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به این کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از فساد مالی و تضاد منافع بین مردم و مسئولان ملزم به رسیدگی به اموال و دارایی مسئولان است و این معضلات مذکور صرفاً در مقامات عالی‌رتبه قوه مجریه مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی نیست و شامل مقامات مادون نیز هست و تجربه حاکی از آن است که فساد در مقامات مادون با توجه به نظارت کم بیشتر است. کشورهای جهان عموماً نظارت بر دارایی مقامات دولتی را در قوانین خود آورده‌اند (برای دیدن یک تجربه استرالیا به عنوان یک تجربه موفق رک سبزه علی، صرامی، اشرافی،۱۴۰۰: ۲۰۳-۲۰۴) و حتی به انتشار اموال مقامات هم اقدام نموده‌اند و این انتشار را در راستای شفافیت اعلام کرده‌اند، زیرا عدم شفاف‌سازی، اصلی‌ترین عامل فساد مالی شناخته‌شده است. (Colette Rausch.2006:36) البته در خصوص تجربه انتشار و افشای دارایی مقامات در کشورهای مختلف سه نوع افشای کامل، افشای محدود و محرمانه بودن وجود دارد (برای دیدن لیستی از این سه تجربه رک: مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۹۶: -۱۴۱۳)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

نتیجه‌گیری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۴۲ برای رسیدگی به اموال تعدادی از مقامات عالی‌رتبه کشور- رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور و وزرا و همسر و فرزندان آنان- مقرر کرده است که اموال آنها باید قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی شده که برخلاف حق افزایش نیافته باشد. ازآنجاکه تجربه نشان داده است که فساد مالی در مقامات مادون به دلیل نظارت کمتر بیشتر رخ می‌دهد، مجلس شورای اسلامی تاکنون در چند مورد اقدام به توسعه مقامات مذکور در این اصل نموده است که همگی آنها با مخالفت شورای نگهبان مواجه شده است. با بررسی نظرات استدلالی شورای نگهبان متوجه می‌شویم که سه نظریه در مخالفت با توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی وجود دارد: ۱. دیدگاه متن گرایانه شورای نگهبان ۲. دیدگاه مغایرت با موازین شرعی ۳. دیدگاه مغایرت با اصول ۳۷ و ۴۷ قانون اساسی. در این مقاله به ادله هر سه دیدگاه فوق پاسخ دادیم. در پایان نظر به دلایل زیر توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی هیچ‌گونه مغایرتی با موازین شرعی و اصول قانون اساسی ندارد:

۱. ازآنجایی‌که حدود چهل سال از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران می‌گذرد و این قانون صرفاً یک‌بار در سال ۱۳۶۸ موردبازنگری قرار گرفته است، شرایط حاکم بر جامعه آن روز با امروز تغییریافته است و قانون اساسی که به عنوان قانون مادر در هر کشور محسوب می‌شود باید با توجه به نیازهای روز جامعه تفسیر شود. همچنین ازآنجاکه بازنگری در قانون اساسی ایران نیز به دلیل زمان‌بر بودن، هزینه داشتن و عدم ایجاد شرایط آن که در اصل ۱۷۷ قانون اساسی بدان اشاره شده است در حال حاضر مقدور نیست. بنابراین لازم است شورای نگهبان در تفاسیر خود اعم از ضمنی (بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی) و رسمی (طبق اصل ۹۸ قانون اساسی) به رویکردها تفسیری جدیدی توجه کند و از تفسیر لفظی و متن گرایی فاصله بگیرد. البته تا جایی که با هدف مقنن اساسی سازگاری دارد و منجر به تغییر خارج از هدف قانون اساسی نشود. در غیر این صورت قانون اساسی از تحولات زمانه باز می‌ماند و پاسخ‌گوی مقتضیات جامعه امروز ما نخواهد بود.

۲. یکی از مواردی که اسباب بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولین نظام را فراهم می‌کند، فساد مالی است. زمانی که فرد مسئول در مسیر فساد قرار گرفت کمتر به منافع کشور و مردم توجه می‌کند و منجر به تنبلی و سستی مسئولین در انجام وظایفشان می‌شود و به جای منافع عمومی به منافع فردی و یا گروهی خود توجه می‌کنند که این عوامل باعث عقب‌ماندگی کشور و هدر رفتن منابع و ذخایر کشور و مشارکت ضعیف مردم در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود که این موارد هیچ‌کدام زیبنده یک نظام اسلامی نیست.

۳. توسعه مقامات مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی به موجب قانون عادی هیچ‌گونه مغایرتی با اصول ۳۷ و ۴۷ قانون اساسی ندارد، زیرا طبق ماده ۲ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

کارگزاران نظام جمهوری اسلامی‌ایران مصوب ۱۳۹۴/۸/۹ «به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ارتقای سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، یکی از شرایط تصدی سمت‌های موضوع این قانون، تعهد به ارائه فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان تحت تکفل، در قالب خود اظهاری به قوه قضاییه است». بنابراین اظهار دارایی مقامات و مسئولین از شروط اعطای سمت به آنان است و درصورتی‌که فرد راضی به انجام این کار نباشد می‌تواند سمت مذکور را نپذیرد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ه.ق)، مناقب آل ابی طالب، مصحح هاشم رسولی، قم: موسسه انتشارات علامه، ج ۲.

باقری، فاطمه (۱۳۹۱)، «نظارت بر اموال و دارایی مقامات و مسئولین دولتی»، مجله کارآگاه، سال پنجم، ش ۲۰.

بهره‌مند بگ نظر، حمید، احمد مرکز مالمیری و سید محمد هادی راجی (۱۳۹۰)، اقدامات تقنینی در مبارزه با فساد اقتصادی، (مطالعه موردی رسیدگی به دارایی‌های مقامات عالی حکومتی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش مسلسل ۱۰۸۲۵.

تقی زاده، جواد و بهروزی نژاد، شیرین (۱۳۹۸). «رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولان و کارگزاران در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه حقوق اداری (علمی – پژوهشی)، ۷، ش ۲۱.

خلف‌رضایی، حسین (۱۳۹۳)، «رویکردهای تفسیر قانون اساسی؛ با نگاهی به نظریات شورای نگهبان»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، ش ۷.

خلف‌رضایی، حسین و منصوریان، مصطفی (۱۳۹۳)، «مکاتب و رویکردهای تفسیر قانون اساسی»، پژوهشکده شورای نگهبان، ش مسلسل ۱۳۹۳۰۰۲۴.

ذاکر صالحی، غلام رضا (۱۳۸۸)، راهبردهای مبارزه با فساد اداری، تهران: نشر جنگل.

رهبر، فرهاد و میرزاوند، فضل الله (۱۳۸۷)، پول شویی و روش‌های مقابله با آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.

سبزه علی، راضیه، سمیه صرامی و محمود اشرافی (۱۴۰۰) پیشگیری از جرائم مالی و جلوگیری از دارا شدن بلاجهت مقامات دولتی، مجله پژوهشهای حقوقی، دوره20 ، شماره45

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، تهران: انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی‌مجلس شورای اسلامی، ج ۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، بررسی قانون رسیدگی به دارایی مسئولان در ایران با توجه به تجربیات کشورهای منتخب، مسلسل ۱۵۳۵۸، کد موضوعی ۲۲۰.

مزارعی، غلام حسن (۱۳۹۰)، تحلیل و مطالعه آرای تفسیری شورای نگهبان در پرتو نظریه‌ها و اصول تفسیر قانون اساسی، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

مزروعی، یحیی (۱۳۸۶)، اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه شفاف سازی و رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولین کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: نشر میزان

وکیلیان، حسن و درخشان، داور (۱۳۹۶)، «بررسی کارآیی قوانین افشای اموال در کاهش فساد اداری با رویکرد تطبیقی»، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۸ و ۷۷.

همدمی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷)، فساد مالی، علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]

طرح نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی مصوب ۱۳۷۰.
طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶.
لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷.
لایحه احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵.
سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه ابلاغی ۱۳۸۲.
سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.
سامانه جامع نظریات شورای نگهبان به نشانی:.www.nazarat.shora-rc.ir
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به نشانی:.www.farsi.khamenei.ir

ب) منابع لاتین

Barber. James E. Fleming. (2007) Constitutional interpretation(the basic question). Oxford University Press,2007
Bloom Jr Lackland H. (2009) Methods of Interpretation: How the Supreme Court Reads the Constitution.. Published to Oxford Scholarship Online: September
Graham. R. N. (2002) A Unified Theory of Statutory Interpretation. – Statute Law Review, 23, pp. 92– 104
Greene, amal(2009) On the Origins of Originalism, TEXAS LAW REVIEW, VOL. 88, P. 1; COLUMBIA PUBLIC LAW. RESEARCH PAPER NO. 09-201 (2009).
HUSCROFT. GRANT. BRADLEY W. MILLER(2011) The Challenge of Originalism. Theories of Constitutional Interpretation. cambridge university press
Rausch.Colette, (2006) Combating Serious Crimes, A Handbook for Policymakers and Practitioners
redacted.Name. Washington, D.C.: United States Institute of Peace (2018)Modes of Constitutional Interpretation.. Congressional Research Service.2018

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.9.30.157]